



The Psychological Function of Nostalgia: Increasing Intrinsic Self-Expression and Decreasing Extrinsic Self-Definition

Ebrahim Ahmadi ^{1*}

¹ Department of Psychology, Buinzahra Branch, Islamic Azad University, Buinzahra, Iran.

Citation: Ahmadi E. The Psychological Function of Nostalgia: Increasing Intrinsic Self-Expression and Decreasing Extrinsic Self-Definition. *Journal of Cognitive Psychology*. 2022; 10(2) :22-39 [Persian].

Key words

nostalgia, intrinsic self, authenticity, extrinsic self-definition

Abstract

Previous findings have shown the many functions of nostalgia, for example, increasing mental health, and the current research aimed to explain those findings by testing the theoretical explanation that the benefits of nostalgia come from the fact that nostalgia reminds us of our intrinsic self. Aiming to investigate the effect of nostalgia on authenticity (intrinsic self-expression) and extrinsic self-definition (concern about meeting society's standards and the expectations of others), Out of 30,000 mobile phone subscribers in Tehran and Karaj, 451 (200 men) with an average age of 40 years were sampled by the convenience method and in an experimental design were randomly assigned to two groups of nostalgia (who thought of a nostalgic memory) and no nostalgia (who thought of an ordinary memory). Intrinsic self-expression was measured by the Authenticity Inventory (Kernis and Goldman, 2006) and extrinsic self-definition by the Extrinsic Contingency Focus Scale (Williams et al., 2010). T-tests showed that the nostalgia group rated their past personality more authentic and reported less extrinsic self-definition and Conditional Process Modelling showed that nostalgia reduced extrinsic self-definition by increasing authenticity. Based on these findings, nostalgia can help in the treatment of mental disorders.

کارکرد روان‌شناختی هیجان نوستالژی: افزایش ابراز خود‌راستین و کاهش خود-تعریفی بیرونی

ابراهیم احمدی^۱

۱. (نویسنده مسئول) گروه روان‌شناسی، واحد بویین‌زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بویین‌زهرا، ایران. eahmadi1356@gmail.com

چکیده

یافته‌های پیشین، کارکردهای فراوان هیجان نوستالژی، برای نمونه افزایش سلامت روانی، را نشان داده‌اند و پژوهش کنونی برای تبیین آن یافته‌ها، این توضیح نظری را آزمون کرد که سودمندی‌های نوستالژی از این راه به دست می‌آیند که نوستالژی، خود‌راستین انسان را به یاد او می‌اندازد. با هدف بررسی اثر نوستالژی بر اصیل بودن (ابراز خود‌راستین) و خود-تعریفی بیرونی (نگرانی درباره برآورده کردن استانداردهای جامعه و انتظارات دیگران)، از میان ۳۰ هزار مشترک تلفن همراه در تهران و کرج، ۴۵۱ نفر (۲۰۰ مرد) با میانگین سنی ۴۰ سال با روش در دسترس‌گزینه‌ش و در یک طرح آزمایشی به‌گونه تصادفی به دو گروه نوستالژی (که به یک خاطره نوستالژیک اندیشیدند) و بدون نوستالژی (که به یک خاطره معمولی اندیشیدند) گمارده شدند. ابراز خود‌راستین با پرسش‌نامه اصیل بودن (کرنیس و گولدمن، ۲۰۰۶) و خود-تعریفی بیرونی با مقیاس تمرکز بر وابستگی‌های بیرونی (ویلیمس و همکاران، ۲۰۱۰) اندازه‌گیری شد. آزمون‌های t نشان دادند که گروه نوستالژی شخصیت گذشته خود را اصیل‌تر درجه‌بندی کرد و خود-تعریفی بیرونی کمتری گزارش داد و الگوسازی فرایند شرطی نشان داد که نوستالژی از راه افزایش اصیل بودن، خود-تعریفی بیرونی را کاهش داده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که اولاً می‌توان از نوستالژی در درمان بیماری‌های روانی کمک گرفت، و ثانیاً پیامدهای مثبت فراوان نوستالژی که در پژوهش‌های پیشین نشان داده شده است از این واقعیت سرچشمه می‌گیرند که نوستالژی خود‌راستین انسان‌ها را به آنها نشان می‌دهد.

تاریخ دریافت

۱۴۰۱/۳/۸

تاریخ پذیرش نهایی

۱۴۰۱/۸/۲۲

واژگان کلیدی

نوستالژی، خود‌راستین، اصیل بودن، خود-تعریفی بیرونی

مقدمه

نظریه‌ها و یافته‌هایی که در پایین آمده‌اند فرض می‌کند که نوستالژی به یاد انسان‌ها می‌اندازد که واقعا چه کسی هستند و به سخن دیگر، نوستالژی خود راستین^۳ انسان‌ها را به آنها نشان می‌دهد. خود راستین (که می‌توان آن را خود حقیقی، باطنی، یا اصلی هم نامید) آن کسی است که واقعا هستیم نه آن کسی که به دیگران نشان می‌دهیم (بولدوین، بیرنت، و لنداو، ۲۰۱۵). افراد سالم خود راستین‌شان را به دیگران نشان می‌دهند و محیط‌های سالم راه را برای ابراز خود راستین باز می‌گذارند (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵). نوستالژی یک تصویر واضح و دارای جزئیات از کسی که واقعا هستیم به ما می‌دهد زیرا خاطره‌های نوستالژیک معمولا درباره روزگاری هستند که هنوز چندان از خود راستین‌مان دور نشده بودیم. برای نمونه موضوع بسیاری از خاطره‌های نوستالژیک، دوران کودکی است و کودکان به آسانی خود راستین‌شان را به دیگران نشان می‌دهند (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵؛ وینی‌کات، ۲۰۱۸). پیش از پرداختن به این تبیین، نظریه‌ها و یافته‌ها درباره محتوا، کارکردها، و پیشایندهای نوستالژی مرور می‌شوند.

نوستالژی به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است. در گذشته آن را یک اختلال روانی و امروزه یک مرهم برای اختلال‌های روانی تعریف کرده‌اند. بررسی علمی نوستالژی با پایان‌نامه پزشک سویسی یوهانس هوفر (۱۶۸۸/۱۹۳۴) آغاز شد که مشاهده کرد سربازان سویسی به علت میل شدید بازگشت به خانه دچار ناتوانی روانی شده‌اند. بر پایه این مشاهده‌ها گفتمان پزشکی در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ نوستالژی را نوعی افسردگی و مالیخولیا یا نوعی خفیف از دیوانگی می‌دانست که علت آن ناامیدی و اشتیاق همیشگی به خانه است (ویلسن، ۲۰۰۵). پیدایش روانپزشکی به عنوان یک رشته پزشکی مجزا و بعدها توجه به نوستالژی از سوی متخصصان بالینی، این دیدگاه را بیشتر جا انداخت (باچو، ۲۰۱۳). به شدیدترین موردهای نوستالژی به عنوان روان‌پریشی نگاه می‌شد که در معاینه پس از مرگ به عنوان علت مرگ تشخیص داده می‌شدند (مک‌کن، ۱۹۴۱).

نوستالژی^۱ (دلتنگی و اشتیاق برای گذشته) یک هیجان جهانی است (بویم، ۲۰۰۱؛ رامل، ۱۹۳۳؛ فودور، ۱۹۵۰؛ مک‌کن، ۱۹۴۱). واژه نوستالژی تا پایان قرن ۱۷ میلادی ساخته نشد اما مایه‌های نوستالژیک در کتاب اُدیسه^۲، سرودهای کتاب مقدس مسیحیان، و رساله‌های پزشکی بقراط دیده می‌شوند (مک‌کن، ۱۹۴۱). در ادبیات نوین هم نوستالژی یک موضوع رایج است. شخصیت اصلی داستان «رابینسون کروزو» برای رویارویی با تنهایی و ناامیدی ناشی از گیر افتادن در یک جزیره متروک به نوستالژی پناه می‌برد و داستان «در جستجوی زمان از دست رفته» تصویر روشنی از نوستالژی به خواننده می‌دهد. نوستالژی در فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی هم خود را نشان داده و یک موضوع مردم‌پسند است. در ایران فیلم‌های سینمایی نوستالژیک همچون «نهنگ عنبر» و برنامه‌های تلویزیونی با موضوع «نوستالژی‌های دهه شصت» تماشاگران فراوانی داشته است. هیجان نوستالژی چه کارکردی دارد و چرا با آن که نوعی دلتنگی است اما مردم آن را دوست دارند و در جستجوی آن هستند؟

پژوهش‌هایی که در پایین آمده‌اند سودمندی‌های فراوانی از نوستالژی گزارش کرده‌اند. برای نمونه، نوستالژی سلامت و بهزیستی روانی، معنای زندگی، عزت نفس، خود-ادراکی مثبت، و پیوند اجتماعی را افزایش می‌دهد، تنهایی و بی‌حوصلگی را کاهش می‌دهد، و لذت‌بخش است. پژوهش کنونی می‌خواهد یافته‌های پژوهش‌های پیشین را تبیین کند: چرا نوستالژی سلامت روانی را افزایش می‌دهد؟ چرا احساس تنهایی را کاهش می‌دهد؟ یا چرا لذت‌بخش است؟ در این پژوهش با هدف یکپارچه کردن یافته‌های پیشین، یک توضیح نظری برای آن یافته‌ها پیشنهاد و سپس این توضیح، آزمون می‌شود تا از این راه، پژوهش درباره کارکردهای روان‌شناختی نوستالژی سمت و سوی تازه‌ای پیدا کند. پژوهش کنونی بر پایه

¹ nostalgia

معادل‌های فارسی «غم‌یاد»، «خاطره‌بازی»، و ... برای این واژه پیشنهاد شده است اما چون رایج نیستند در این مقاله به کار برده نمی‌شوند.

² The Odyssey

³ intrinsic self

داشت (جو، سدیکیدیس، وایلدشات، و گو، ۲۰۰۸). یا کسانی که یک خاطره نوستالژیک (در برابر غیرنوستالژیک) به یاد آوردند، بیشتر احساس دوست داشته شدن و حمایت شدن کردند، سبک‌های دلبستگی ایمن‌تری نشان دادند، و خود را به عنوان کسی که شایستگی‌های بین‌فردی بیشتری دارد ادراک کردند (وایلدشات و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین نوستالژی القا شده به آزمودنی‌ها نوع دوستی و همدلی آنها را افزایش داد (جو، وایلدشات، سدیکیدیس، شی، و فنگ، ۲۰۱۲) و پیش‌داوری آنها را کاهش داد (ترنر، وایلدشات، و سدیکیدیس، ۲۰۱۲؛ ترنر، وایلدشات، سدیکیدیس، و گورگیو، ۲۰۱۳).

پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که نوستالژی عزت نفس گزارش شده را افزایش می‌دهد (بولدوین و لنداو، ۲۰۱۴؛ چن و همکاران، ۲۰۱۳؛ وایلدشات، سدیکیدیس، راتلیج، آرن، و کوردارو، ۲۰۱۰). نوستالژی عزت نفس ضمنی (تداعی زودتر واژه‌های مثبت با واژه‌های مربوط به خود) را هم افزایش می‌دهد (وس، آرن، راتلیج، سدیکیدیس، و وایلدشات، ۲۰۱۲). همچنین ایجاد نوستالژی، این احساس را که زندگی معنادار است و ارزش زیستن را دارد افزایش داد (راتلیج و همکاران، ۲۰۱۱؛ راتلیج، وایلدشات، سدیکیدیس، جول، و آرن، ۲۰۱۲).

پژوهش‌های پیشین افزون بر محتوا و کارکردهای نوستالژی به پیشایندهای نوستالژی هم پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوستالژی با تجربه‌ها و موقعیت‌های منفی راه‌اندازی می‌شود. پژوهش‌های همبستگی نشان داده‌اند که رویدادهایی چون طلاق، بیماری، و تغییر در شرایط زندگی با احساس نوستالژی رابطه مثبت دارند (سدیکیدیس، وایلدشات، گرتر، راتلیج، و آرن، ۲۰۰۸). همچنین احساس نداشتن امنیت نوستالژی را پیش‌بینی کند (جو، وانگ، ژانگ، و مو، ۲۰۱۳). در پژوهش کیفی وایلدشات و همکاران (۲۰۰۶) مردم احساس‌های منفی و به‌ویژه احساس تنهایی را علت اصلی نوستالژیک شدن خود دانستند.

پژوهش‌های آزمایشی نیز به همان یافته‌های پژوهش‌های همبستگی رسیده و نشان داده‌اند که نوستالژی با تجربه‌های پریشان‌کننده و تهدیدکننده راه‌اندازی می‌شود. در

اما امروزه نوستالژی به گونه‌ای کاملاً متفاوت فهمیده و تعریف می‌شود (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵). نظریه-پردازان امروزی پیشنهاد می‌کنند که محتوای نوستالژی کمتر به مکان‌های جغرافیایی همچون خانه و محله بلکه بیشتر به تجربه‌های روان‌شناختی آرامش‌بخش گره خورده است (بویم، ۲۰۰۱). این دیدگاه، خود را در تعریف‌های رسمی نوستالژی نشان داده است: «واژه‌نامه ریشه‌جویی آنلاین^۱» (نوستالژی، بدون تاریخ) نوستالژی را «اشتیاق داغ و پرهیجان به شادمانی یک مکان یا زمان گذشته» تعریف می‌کند. همچنین پژوهش‌های کیفی نشان داده‌اند که نوستالژی یک تجربه مثبت و خوشایند، و نه بیمارگون، است. بررسی‌های انجام شده بر روی داستان‌ها نشان داده‌اند که بیشتر خاطرات نوستالژیک، مثبت هستند (وایلدشات، سدیکیدیس، آرن، و راتلیج، ۲۰۰۶؛ هولک و هولینا، ۱۹۹۸) و از یک خط سیر رستگاران^۲ پیروی می‌کنند به این شکل که تجربه‌های بد تحت‌الشعاع تجربه‌های خوب قرار گرفته یا با تجربه‌های خوب جبران شده‌اند (برای نمونه، لذت دیدن همه خانواده و فامیل در آیین به‌خاک‌سپاری یک عزیز؛ وایلدشات و همکاران، ۲۰۰۶). یک پژوهش به مفهوم‌پردازی مردم عادی از نوستالژی پرداخته و مشاهده کرده است که مردم ویژگی‌های اولیه نوستالژی را خاطرات دوست‌داشتنی، معنای شخصی، روابط اجتماعی، یادگاری‌ها، شادی و خوشبختی، و دوران کودکی و ویژگی‌های ثانویه را امنیت و راحتی، آرزو و میل، رویاها، و هدف‌ها می‌دانند (هیر، ریچی، سدیکیدیس، وایلدشات، ۲۰۱۲). البته پژوهش هیر و همکاران (۲۰۱۲) همانند پژوهش وایلدشات و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که نوستالژی به شکل منفی (دل‌تنگی برای خانه و محله، غم، اضطراب، و ...) هم توصیف می‌شود اما توصیف‌های منفی بسیار کمتر از توصیف‌های مثبت هستند.

پژوهش‌های پیشین افزون بر محتوای نوستالژی به کارکردهای نوستالژی هم پرداخته‌اند. دسته‌ای از پژوهش‌ها سودمندی نوستالژی برای پیوندهای اجتماعی را نشان داده‌اند. برای نمونه، نوستالژی سرشتی با سطح صفتی و سطح حالتی حمایت اجتماعی ادراک شده رابطه مثبت

¹ Online Etymology Dictionary

² redemptive

غیرنوستالژیک اندیشیدند، پس از دریافت پسخوراند منفی، کمتر نیاز دیدند که از عزت نفس و چهره اجتماعی خود دفاع کنند. در یک پژوهش دیگر (راتلیج و همکاران، ۲۰۰۸)، دفاع در برابر اندیشه مرگ (به شکل کاهش دسترسی پذیری اندیشه‌های مرگ پس از یادآوری مرگ خویش) در کسانی که به‌گونه سرشتی نوستالژی بیشتری را تجربه می‌کردند کمتر بود. همچنین آزمودنی‌های گروه آزمایش که نوستالژی به آنها القا شده بود کمتر از آزمودنی‌های گروه گواه به نویسنده مقاله‌ای که زندگی را پوچ و بی‌معنا می‌دانست توهین کردند (راتلیج و همکاران، ۲۰۱۱). راتلیج و همکاران (۲۰۱۲) همچنین مشاهده کردند که آزمودنی‌های گروه آزمایش که نوستالژی در آنها ایجاد شده بود پس از دیدن کارهای هنری پوچ‌گرا کمتر از آزمودنی‌های گروه گواه حس معنای خود را از دست دادند.

پس پژوهش‌های پیشین اثرهای مثبت فراوانی از نوستالژی نشان داده‌اند اما اگر این پژوهش‌ها به شکل یک مجموعه در نظر گرفته شوند یک محدودیت مهم دارند و آن روشن نبودن سازوکار اثرهای مثبت و گسترده نوستالژی است: نوستالژی به عنوان یک متغیر مستقل از راه کدام متغیر میانجی بر این همه متغیر وابسته اثر می‌گذارد؟ البته پژوهش‌های پیشین برای اثرهای تکی نوستالژی چند متغیر میانجی شناسایی کرده‌اند اما پژوهش کنونی پیشنهاد می‌کند که نزدیک شدن به خود راستین می‌تواند متغیر میانجی و سازوکار بخش گسترده‌ای از اثرهای مشاهده شده نوستالژی (اگر نه همه آنها) باشد. برابر با پژوهش‌های پیشین (که در پایین آمده‌اند) کارکردهای گوناگون نوستالژی، سازوکارها و متغیرهای میانجی گوناگون دارند اما پژوهش کنونی یک چهارچوب نظری یکپارچه‌کننده پیشنهاد می‌کند که می‌تواند کارکردهای ظاهرا گوناگون نوستالژی را فقط با یک سازوکار و متغیر میانجی توضیح دهد.

در پژوهش‌های پیشین برای برخی از اثرهای نوستالژی که در بالا آمدند سازوکارهای میانجی پیدا شده است. برای نمونه نوستالژی از راه افزایش پیوند اجتماعی، معنای زندگی را افزایش داد (راتلیج و همکاران، ۲۰۱۱). یا نوستالژی با افزودن بر پیوند اجتماعی، عزت نفس را افزایش داد و آن نیز به افزایش خوش‌بینی انجامید (چنگ

آزمایش وایلدشات و همکاران (۲۰۰۶) آزمودنی‌هایی که خلقی منفی در آنها ایجاد شد نوستالژی بالاتری از آزمودنی‌هایی که خلقی مثبت یا خنثی در آنها ایجاد شد گزارش دادند. همچنین آزمایش‌های دیگر نشان دادند که نوستالژی با احساس تنهایی (جو و همکاران، ۲۰۰۸؛ لاولند، اسمیستر، و مندل، ۲۰۱۰؛ وایلدشات و همکاران، ۲۰۱۰)، تهدید ارزش‌ها و هدف‌ها (راتلیج و همکاران، ۲۰۱۱)، یادآوری مرگ خود (جول، راتلیج، آرت، سدیکیدیس، و وایلدشات، ۲۰۱۰)، گسلس هویتی (مرچنت، فورد، و روز، ۲۰۱۱)، احساس بی‌معنایی و پوچی (راتلیج، آرت، سدیکیدیس، و وایلدشات، ۲۰۰۸)، ناامنی هستی‌گرایانه (جو و همکاران، ۲۰۱۳)، و بی‌حوصلگی (ون تیلبرگ، ایگو، و سدیکیدیس، ۲۰۱۳) راه‌اندازی می‌شود.

پژوهش کنونی فرض می‌کند که اولاً، نوستالژی به این علت یک تجربه مثبت و خوشایند است که خود راستین انسان را به او نشان می‌دهد، او را به خودپنداره راستین‌اش نزدیک‌تر می‌کند، و حتی می‌تواند ابراز خود راستین را برای او آسان‌تر نماید، ثانیاً، کارکردهای مثبت نوستالژی (برای نمونه افزایش عزت نفس) از راه نزدیک شدن انسان به خود راستین‌اش به دست می‌آیند، و ثالثاً، تجربه‌های پریشان‌کننده‌ای چون گسلس هویتی به این علت راه‌انداز نوستالژی هستند که انسان را از خود راستین‌اش دور می‌کنند و یا جلوی ابراز خود راستین را می‌گیرند. تجربه‌های پریشان‌کننده سبب می‌شوند که انسان برای پیوند دوباره با خودپنداره راستین‌اش با نوستالژی، به عنوان یک راهبرد جبرانی، واکنش نشان دهد.

پژوهش‌ها نه تنها نشان داده‌اند که نوستالژی با تجربه‌های پریشان‌کننده راه‌اندازی می‌شود، بلکه این را هم نشان داده‌اند که نوستالژی می‌تواند جلوی اثرهای منفی این تجربه‌ها را بگیرد، یعنی نوستالژی می‌تواند یک سپر و ضربه‌گیر در برابر تهدید خودپنداره، عزت نفس، و معنای زندگی باشد. برای نمونه، نوستالژی با افزایش حمایت و پیوند اجتماعی ادراک شده، احساس تنهایی را کاهش داد (جو و همکاران، ۲۰۰۸؛ وایلدشات و همکاران، ۲۰۱۰) و جلوی اثرهای منفی طرد و محرومیت اجتماعی را گرفت (لاولند و همکاران، ۲۰۱۰). در پژوهش وس و همکاران (۲۰۱۲)، آزمودنی‌هایی که به یک خاطره نوستالژیک اندیشیدند، در مقایسه با آزمودنی‌هایی که به یک خاطره

اندک بودند (یا دست کم ادراک فرد این است که بسیار اندک بودند) و بنابراین ویژگی‌های اصیل فرد فرصت و جرأت بسیار بیشتری برای ابراز داشتند و از این رو خاطره‌های نوستالژیک چهره‌ای واضح از خود راستین به انسان می‌دهند که می‌تواند در خودپنداره او درون‌سازی^۲ شود (استرن، ۱۹۹۲؛ ویلسن، ۲۰۰۵). دوم آن که پژوهش‌ها سودمندی‌های فراوان آشنایی با خود راستین را نشان داده‌اند: برای نمونه در دسترس بودن خود راستین، چه به گونه سرشتی و چه با القای آزمایشی، با معنای زندگی رابطه مثبت دارد (اشلگل، هیکس، آرنه، و کینگ، ۲۰۰۹) و ابراز خود راستین (اصیل بودن^۳) سبب می‌شود که شخص هدف‌های زندگی‌اش را خودش (نه دیگران) تعیین کند، آن هدف‌ها را پیگیری کند و به آنها برسد، و رسیدن به آن هدف‌ها برآورده‌کننده نیازهای او باشد (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵؛ کرنیس و گولدمن، ۲۰۰۶).

اگر چنین باشد نوستالژی باید هنگامی بیشترین جذابیت را داشته باشد که مردم درباره خود راستین‌شان گیج و سردرگم باشند یا در ابراز خود راستین‌شان در زندگی روزمره احساس ناتوانی کنند. همساز با این ادعا لنتن و همکاران (۲۰۱۳) مشاهده کردند که آزمودنی‌ها هنگامی احساس می‌کنند که از خود راستین‌شان دور شده‌اند که دچار ناامنی فردی یا بین‌فردی، تنهایی، اضطراب، رخداد‌های ویرانگر، سختی‌ها، شکست، نداشتن معنا در زندگی، و نداشتن شور و هیجان و لذت و تحریک شده باشند و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که همه اینها پیشایندهای نوستالژی هستند (جو و همکاران، ۲۰۱۳؛ راتلیچ و همکاران، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲؛ سدیکیدیس و همکاران، ۲۰۰۸؛ ون تیلبرگ و همکاران، ۲۰۱۳).

پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند نوستالژی، اصیل بودن را افزایش می‌دهد با فرض پژوهش کنونی همساز هستند زیرا اصیل بودن یعنی ابراز خود راستین (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵). کرنیس و گولدمن (۲۰۰۶) گفته‌اند اصیل بودن آگاهی از هدف‌ها و احساس‌های واقعی خود، فهم بدون سوگیری تجربه‌ها، رفتارهای هم‌راستا با نیازها و خواسته‌ها، و رابطه صادقانه با دیگران است. یک انسان اصیل از باید و نبایدهای بیرونی، به‌ویژه آنهایی که با

و همکاران، ۲۰۱۳). در پژوهشی دیگر عزت نفس، پیوند اجتماعی، و معنای زندگی به شکل همزمان وارد تحلیل شدند و مشاهده شد که فقط عزت نفس، میانجی اثرهای مثبت نوستالژی است (بولدوین و لنداو، ۲۰۱۴). همچنین نوستالژی با افزودن بر میزان گنجانده شدن مردمان چاق در خودپنداره آزمودنی‌ها پیش‌داوری درباره چاق‌ها را کاهش داد (ترنر و همکاران، ۲۰۱۲). کاملاً روشن است که این یافته‌ها نمی‌توانند اثرهای پراکنده نوستالژی را با یک سازوکار و متغیر میانجی واحد تبیین کنند.

هدف پژوهش کنونی پیشنهاد و آزمون یک تبیین واحد برای کارکردهای فراوان و پراکنده نوستالژی است که بتواند همه یافته‌های پیشین یا دست کم بیشتر آنها را فقط با یک سازوکار، یکپارچه کند. پژوهش کنونی پیشنهاد می‌کند که نوستالژی خود راستین انسان را به او نشان می‌دهد. خود راستین، آن کسی است که واقعا هستیم نه آن کسی که فکر می‌کنیم هستیم (خودپنداره) یا در زندگی روزمره به دیگران نشان می‌دهیم (خود بیرونی^۱)؛ ویژگی‌های درونی و اصیل انسان‌ها که خیلی وقت‌ها آنها را فراموش می‌کنند یا از آنها دور می‌شوند اما نوستالژی به آنها کمک می‌کند که آنها را با بیشترین جزئیات به یاد آورند و از نزدیک لمس کنند (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵). درست است که خود راستین با خودپنداره و خود بیرونی متفاوت است اما پژوهش نشان داده است که مردم می‌توانند خود راستین‌شان را شناسایی کنند و گرایش دارند که آن را از خودپنداره و خود بیرونی‌شان مثبت‌تر ارزیابی کنند (هارتر، ۲۰۰۲). همچنین مردم می‌توانند زمان‌هایی را که بازتاب خود راستین آنها بوده و نبوده است به یاد بیاورند که این نشان می‌دهد مردم خود راستین‌شان را می‌شناسند و آن را با چیز دیگری اشتباه نمی‌گیرند (لنتن، برودر، اسلاو، و سدیکیدیس، ۲۰۱۳).

پژوهش کنونی فرض می‌کند که اثرهای مثبت نوستالژی بر متغیرهای روان‌شناختی از راه افزایش دسترسی به خود راستین و افزایش ابراز خود راستین به دست می‌آیند و بنابراین الگوی پیشنهادی پژوهش کنونی دو مسیر دارد. یکم آن که نوستالژی تجربه‌هایی را از گذشته به ذهن می‌آورد که در آنها عامل‌های کنترل‌کننده بیرونی بسیار

² assimilation

³ authenticity

¹ extrinsic self

تنبیه بیرونی، انجام می‌دهند (رایان و دسی، ۲۰۰۰). اگر بتوانیم خود راستین‌مان را ابراز کنیم رفتارهایی را انجام می‌دهیم که از ارزش‌ها و باورهای ما سرچشمه می‌گیرند و به رشد روان‌شناختی ما کمک می‌کنند. از این رو اگر برابر با ادعای پژوهش کنونی نوستالژی انسان‌ها را با خود راستین‌شان آشنا می‌کند پس نوستالژی باید با پیامدهای مثبت روان‌شناختی رابطه داشته باشد و این پشتوانه پژوهشی دارد. برای نمونه مردم نوستالژی را با واژه‌هایی چون آرمان و آینده توصیف می‌کنند که نشان‌دهنده گرایش به رشد و پیشرفت هستند (هیر و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین دانشجویانی که نوستالژی در آنها تحریک شد بعدها با چالش گذار از دوران دانشگاه سازگاری بهتری داشتند یعنی به‌ویژه هنگامی که شباهت‌های خود نوستالژیک و خود کنونی آنها برجسته شد علاقه زیادی به درگیر شدن در تجربه‌های ناآشنا گزارش دادند (آیر و جتن، ۲۰۱۱). یافته‌های دیگر نشان می‌دهند که اندیشه نوستالژیک (در مقایسه با غیرنوستالژیک) درباره گذشته سبب می‌شود که آزمودنی‌ها خود را به عنوان کسی که می‌تواند رشد کند ادراک کنند و قصد رشد کردن در آنها قوی‌تر شود (بولدوین و لنداو، ۲۰۱۴).

پژوهش کنونی بر پایه یافته‌هایی که در بالا آمدند به این فرضیه رسید که اثرهای مثبت نوستالژی بر متغیرهای روان‌شناختی از این راه به دست می‌آیند که نوستالژی انسان‌ها را با خود راستین‌شان آشنا می‌کند. با هدف آزمون این فرضیه، اثر نوستالژی بر اصیل بودن (ابراز خود راستین) و خود-تعریفی بیرونی^۱ (نگرانی درباره کردن استانداردهای جامعه و انتظارات دیگران) بررسی و پیش‌بینی شد که نوستالژی اصیل بودن را افزایش و خود-تعریفی بیرونی را کاهش می‌دهد. البته پژوهش‌های پیشین همبستگی مثبت نوستالژی با اصیل بودن (استفن و همکاران، ۲۰۱۲) و همبستگی منفی آن با خود-تعریفی بیرونی (وس و همکاران، ۲۰۱۲) را نشان داده‌اند اما در این پژوهش نوستالژی با روش آزمایشی دستکاری شد و فرضیه این بود که اندیشیدن به یک خاطره نوستالژیک (در مقایسه با اندیشیدن به یک خاطره غیرنوستالژیک) سبب می‌شود آزمودنی‌ها احساس کنند که در زمان آن

ارزش‌های او تعارض دارند، اثر نمی‌پذیرد (وود، لینلی، ملتبی، بلیوسیسی، و جوزف، ۲۰۰۸). لنتن و همکاران (۲۰۱۳) اصیل بودن را احساس رضایت و لذت، برآورده شدن بیشتر نیازها، و نزدیک بودن خود راستین به خود آرمانی تعریف کرده‌اند. برابر با دیدگاه پیشنهادی پژوهش کنونی نوستالژی باید بتواند اصیل بودن (یا دست‌کم احساس اصیل بودن) را افزایش دهد و پژوهش استفن و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد آزمودنی‌هایی که به یک خاطره نوستالژیک (در مقایسه با غیرنوستالژیک) اندیشیدند آن خاطره را توصیف‌کننده خود راستین‌شان دانستند؛ «من در این خاطره همان کسی بودم که واقعا هستم». پژوهش لنتن و همکاران (۲۰۱۳) نیز همین یافته را به شکل برعکس نشان داده است: هنگامی که از آزمودنی‌ها خواسته شد به خاطره‌ای بیندیشند که در آن بیشترین (در مقایسه با کمترین) شباهت را به خود راستین‌شان داشته‌اند، آزمودنی‌ها آن خاطره را نوستالژیک‌تر درجه‌بندی کردند.

چند پژوهش نشان داده‌اند که تمرکز بر خود راستین، نگرانی درباره برآورده کردن استانداردهای جامعه و انتظارات دیگران را کاهش می‌دهد (وود و همکاران، ۲۰۰۸). برای نمونه تایید خودپنداره فرد از سوی دیگران سبب می‌شود که پسخوراند منفی نتواند عزت نفس او را کاهش دهد (شرمن و کوهن، ۲۰۰۶؛ شیمل، آرت، بنکو، و کوک، ۲۰۰۴؛ کرنیس، ۲۰۰۳). از دیدگاه پژوهش کنونی نوستالژی هم باید بتواند سپری در برابر ارزشیابی‌های منفی دیگران باشد و جلوی اثرهای زیان‌بار آنها را بگیرد. یکی از این اثرهای زیان‌بار، واکنش دفاعی به پسخوراند منفی است و وس و همکاران (۲۰۱۲) مشاهده کردند آزمودنی‌هایی که پس از دریافت پسخوراند منفی (نمره ضعیف در یک آزمون) به یک خاطره نوستالژیک اندیشیدند کمتر از آزمودنی‌هایی که به یک خاطره معمولی اندیشیدند واکنش دفاعی از خود نشان دادند یعنی کمتر احتمال داشت که عملکرد ضعیف خود در آزمون را به عامل‌های بیرونی (شانس و دشواری آزمون) نسبت دهند.

کسانی که خود راستین‌شان را ابراز می‌کنند به انگیزش درونی می‌رسند یعنی بیشتر رفتارهایشان را برای لذت-بخش یا چالش‌انگیز بودن آن رفتار، و نه برای پاداش و

¹ extrinsic self-definition

$M = ۱,۶۵$ ، $SD = ۱,۹۸$ در برابر $M = ۲,۷۴$ ، $SD = ۳,۰۱$ ، $t_{۴۴,۱۹} = -۳,۰۷۱$ ، $p < .۰۰۱$ ، $d = -۰,۵۳$ فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین تفاوت = $[-۰,۴۹, -۰,۵۶]$.

اثر نوستالژی بر خود-تعریفی بیرونی. همساز با فرضیه پژوهش، گروه نوستالژی به گونه‌ای معنی‌دار خود-تعریفی بیرونی کمتری از گروه بدون نوستالژی گزارش داد: $M = ۲,۵۶$ ، $SD = ۰,۵۳$ در برابر $M = ۳,۴۲$ ، $SD = ۰,۳۱$ ، $t_{۴۲,۸۷} = ۲۱,۲۶$ ، $p < .۰۰۱$ ، $d = ۰,۸۶$ فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین تفاوت = $[۰,۹۴, ۰,۷۸]$.

اثر نوستالژی بر خود-تعریفی بیرونی از راه اصیل بودن. همساز با فرضیه پژوهش، نوستالژی از راه افزایش اصیل بودن، خود-تعریفی بیرونی را کاهش داده بود؛ الگوسازی فرایند شرطی^۴ نشان داد که داده‌های پژوهش کنونی با چهارمین الگوی هیز (۲۰۱۳) برازش دارند (شکل ۱) به این شکل که اثر نامستقیم نوستالژی بر خود-تعریفی بیرونی با میانجی‌گری اصیل بودن معنی‌دار بود ($-۰,۷۹$) = b ، $SE = ۰,۰۸$ ، فاصله اطمینان ۹۵ درصدی: $-۰,۹۵$ تا $-۰,۶۴$ ، اما اثر مستقیم و بدون میانجی نوستالژی بر خود-تعریفی بیرونی، پس از جدا شدن اثر اصیل بودن، دیگر معنی‌دار نبود ($-۰,۰۷$) = b ، $SE = ۰,۰۶$ ، فاصله اطمینان ۹۵ درصدی: $-۰,۱۸۳$ تا $۰,۰۳۴$ ، اثر نامستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته نسبت به همه اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته (یعنی نسبت به مجموع اثر مستقیم و نامستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته) برابر با ۰,۹۱ بود و این یعنی ۹۱٪ از اثر نوستالژی بر خود-تعریفی بیرونی، نامستقیم و از راه اصیل بودن است (و تنها ۹٪ از آن مستقیم است). این نشان می‌دهد که نوستالژی سبب شده است که آزمودنی‌ها خود-تعریفی بیرونی کمتری از خود نشان دهند «زیرا» پس از نوستالژی، اصیل بودن افزایش یافته است. به سخن دیگر نوستالژی فقط از راه افزایش اصیل بودن می‌تواند خود-تعریفی بیرونی را کاهش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

نوستالژی یک هیجان جهانی است و پژوهش‌های پیشین اثرهای مثبت فراوان آن را نشان داده‌اند اما این پژوهش‌ها سازوکار این اثرها را روشن نکرده‌اند. از این رو پژوهش

اندازه‌گیری اصیل بودن. از آزمودنی‌ها خواسته شد که بر روی مقیاسی از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق)، پرسش‌نامه اصیل بودن^۱ (کرنیس و گولدمن، ۲۰۰۶؛ پیوست یک) را، نه درباره کسی که هم‌اکنون هستند بلکه درباره کسی که در خاطره یادآوری شده بودند، پر کنند. این پرسش‌نامه ۴۵ ماده‌ای که اصیل بودن ادراک شده (نه اصیل بودن واقعی) را اندازه‌گیری می‌کند بازنویسی شد تا به شخصیت گذشته آزمودنی‌ها، نه به شخصیت کنونی آنها، اشاره کند. برای نمونه به جای «خوب یا بد به‌درستی می‌دانم که واقعا چه کسی هستم» نوشته شد «خوب یا بد به‌درستی می‌دانستم که واقعا چه کسی هستم» ($M = ۳,۰۱$ ، $SD = ۰,۳۲$ ، $\alpha = ۰,۸۰$).

اندازه‌گیری خود-تعریفی بیرونی. از آزمودنی‌ها خواسته شد که بر روی مقیاسی از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق)، مقیاس تمرکز بر وابستگی‌های بیرونی^۲ (ویلیامس، شیمل، هیس، و مارتنس، ۲۰۱۰؛ پیوست دو) را درباره کسی که «هم‌اکنون» هستند پر کنند. این مقیاس ۲۰ ماده‌ای نشان می‌دهد که آزمودنی تا چه اندازه برای احساس ارزشمند بودن به دنبال برآورده کردن استانداردهای جامعه و انتظارات دیگران است. برای نمونه: «بسیار کوشش می‌کنم تا مردم مرا تایید و تصدیق کنند» ($M = ۲,۹۹$ ، $SD = ۰,۶۱$ ، $\alpha = ۰,۷۹$).

یافته‌ها

داده‌های به دست آمده از این پژوهش، به همراه دستورها و برون‌داده‌ها، در اینترنت بارگذاری شده و در دسترس همگان هستند.^۳

متغیرهای جمعیت‌شناختی. جنسیت و سن هیچ رابطه معنی‌داری با اصیل بودن و خود-تعریفی بیرونی نداشتند (ارزش‌های $p < ۰,۴۰$).

اثر نوستالژی بر اصیل بودن. همساز با فرضیه پژوهش، گروه نوستالژی به گونه‌ای معنی‌دار شخصیت گذشته خود را اصیل‌تر از گروه بدون نوستالژی درجه‌بندی کرد: $۳,۲۷$

^۱ Authenticity Inventory

^۲ Extrinsic Contingency Focus Scale

^۳ نشانی:

drive.google.com/drive/folders/1m9bnhJYKpwnpcSivjufVTYpqKq-gYvBL

^۴ conditional process modelling

ادراکی که آزمودنی‌ها از گذشته خود داشتند در ادراکی که از اکنون خود داشتند درون‌سازی شود یعنی نوستالژی می‌تواند خود-ادراکی‌های گذشته و حال را به هم پیوند دهد. در تبیین این یافته می‌توان گفت هنگامی که انسان-ها با نوستالژی به یاد اصیل بودن و ابراز آسان خود راستین‌شان در گذشته می‌افتند، نگرانی کنونی آنها درباره برآورده کردن استانداردهای جامعه و انتظارات دیگران (خودتعریفی بیرونی) کاهش می‌یابد زیرا خودتعریفی بیرونی یعنی دور شدن از خود راستین و نزدیک شدن به خواسته‌های جامعه و دیگران.

یافته‌های پژوهش کنونی را می‌توان در درمان بیماری‌های روانی به کار گرفت. در دنیای امروز سرچشمه بسیاری از بیماری‌های روانی بیگانگی با خود راستین است زیرا انسان‌های امروزی بیشتر نگران رسیدن به ارزش‌هایی هستند که برای جامعه مهم است و از این رو انسان‌ها به گونه‌ای فزاینده «استانداردزده» می‌شوند یعنی ارزش درونی و ویژه آنها روزبه‌روز کمتر شده است (توئنج، کمبل، و فریمن، ۲۰۱۲). نوستالژی می‌تواند با نزدیک کردن انسان‌ها به خود راستین‌شان یک درمان ساده برای این دسته از بیماری‌های روانی باشد (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵).

شاید این پرسش مطرح شود که آیا خاطرات نوستالژیک که آزمودنی‌های پژوهش کنونی به یاد آوردند واقعی بودند یا صرفاً برساخته حافظه سازی^۱ آزمودنی‌ها (طالع‌پسند و نصیری‌پور، ۱۳۹۷)؟ آیا خودی که به یاد آوردند خود واقعی آنها بود یا یک خود دروغین ساخته شده؟ در پاسخ باید گفت پژوهش کنونی درباره «هیجان نوستالژی» است نه «خاطرات نوستالژیک». پژوهش کنونی بررسی کرد که آیا هیجانی که پس از به یاد آوردن خاطرات نوستالژیک (چه کاملاً واقعی، چه کمی واقعی و کمی غیرواقعی، و چه کاملاً غیرواقعی) به افراد دست می‌دهد می‌تواند با افزایش ابراز خود راستین از خودتعریفی بیرونی آنها بکاهد یا خیر. از آنجا که از نظر روش‌شناختی هیچ راهی برای اندازه‌گیری میزان واقعی بودن خاطرات نوستالژیک وجود ندارد و تنها چیزی که می‌توان اندازه‌گیری کرد صرفاً هیجان نوستالژی است (که در پژوهش کنونی اندازه‌گیری شد)،

کنونی یک توضیح نظری برای اثرهای نوستالژی پیشنهاد و این توضیح را آزمون کرد. پژوهش کنونی فرض کرد که سرچشمه کارکردهای مثبت نوستالژی این است که نوستالژی خود راستین انسان را به او نشان می‌دهد. برای آزمون این فرض، اثر نوستالژی بر اصیل بودن (ابراز خود راستین) و خود-تعریفی بیرونی (نگرانی درباره برآورده کردن استانداردهای جامعه و انتظارات دیگران) بررسی و پیش‌بینی شد که نوستالژی با افزایش اصیل بودن، خود-تعریفی بیرونی را کاهش می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که گروه نوستالژی در مقایسه با گروه بدون نوستالژی به گونه‌ای معنی‌دار شخصیت گذشته خود را اصیل‌تر درجه‌بندی کرد، خود-تعریفی بیرونی کمتری گزارش داد، و مهم‌تر این که نوستالژی از راه افزایش اصیل بودن، خود-تعریفی بیرونی را کاهش داد. این یافته‌ها افزون بر همساز بودن با فرضیه‌های پژوهش کنونی با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (استفن و همکاران، ۲۰۱۲؛ لنتن و همکاران، ۲۰۱۳؛ وس و همکاران، ۲۰۱۲) نیز همخوان هستند.

یافته نخست پژوهش کنونی این بود که نوستالژی سبب شد آزمودنی‌ها احساس کنند در گذشته (یعنی در خاطره یادآوری شده) انسان اصیلی بوده‌اند (یعنی خود راستین-شان را ابراز می‌کرده‌اند). در تبیین این یافته می‌توان گفت که نوستالژی یک تصویر واضح و دارای جزئیات از کسی که واقعا هستیم به ما می‌دهد زیرا خاطره‌های نوستالژیک معمولاً درباره روزگاری هستند که هنوز چندان از خود راستین‌مان دور نشده بودیم. برای نمونه موضوع بسیاری از خاطره‌های نوستالژیک، دوران کودکی است و کودکان به آسانی خود راستین‌شان را به دیگران نشان می‌دهند. نوستالژی تجربه‌هایی را از گذشته به ذهن می‌آورد که در آنها عامل‌های کنترل‌کننده بیرونی بسیار اندک بودند (یا دست کم ادراک فرد این است که بسیار اندک بودند) و بنابراین ویژگی‌های اصیل فرد فرصت و جرأت بسیار بیشتری برای ابراز داشتند و از این رو خاطره‌های نوستالژیک چهره‌ای واضح از خود راستین انسان به او می‌دهند.

دومین یافته پژوهش کنونی این بود که نوستالژی نه به گونه مستقیم، که به گونه نامستقیم و از راه افزایش اصیل بودن در گذشته، خودتعریفی بیرونی در اکنون را کاهش داد. این یافته نشان می‌دهد که نوستالژی سبب شده است

¹ constructive memory

شود که انسان‌ها نگران آسایش دیگران هم بشوند و توان همدلی با مردم را به دست آورند (کولتکو-ریورا، ۲۰۰۶؛ گنیون، ۲۰۰۴). همدلی هم سبب می‌شود که انسان‌ها نوع دوست‌تر شوند (بتسن، دانکن، اکرم، باکلی، و برچ، ۱۹۸۱). بنابراین از دیدگاه پژوهش کنونی، نوستالژی با افزایش ابراز خود راستین (اصیل بودن) سبب می‌شود که خودفراری، همدلی، و نوع دوستی افزایش پیدا کند و اینها نیز به رفتارهایی چون کمک به خیریه‌ها می‌انجامند. به سخن دیگر، هرگاه انسان‌ها به خود راستین‌شان نزدیک شوند به دیگران کمک می‌کنند زیرا کمک به دیگران بخشی از خود راستین انسان‌ها است. با همین نگاه می‌توان یافته‌هایی را هم که نشان داده‌اند نوستالژی می‌تواند فاصله‌گیری از گروه‌های غیر خودی (برای نمونه چاق‌ها) را کاهش دهد (استفن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ترنر و همکاران، ۲۰۱۲؛ ترنر و همکاران، ۲۰۱۳) تبیین کرد. پس با دیدگاه پژوهش کنونی می‌توان یافته‌های پراکنده درباره اثرهای نوستالژی را در درون یک چهارچوب با یکدیگر پیوند داد.

یافته‌های پژوهش کنونی با نظریه خودتعیین‌بخشی^۲ (رایان و دسی، ۲۰۰۰) هم پیوند دارند. برابر با این نظریه اگر سه نیاز بنیادی خودمختاری، شایستگی، و پیوستگی برآورده شوند احساس اصیل بودن به انسان دست می‌دهد. این نظریه در پژوهش‌های همبستگی و پژوهش‌های کیفی تایید شده است. پژوهش‌های همبستگی نشان داده‌اند که سطح روزانه احساس‌های خودمختاری، شایستگی، و پیوستگی با سطح روزانه احساس اصیل بودن رابطه مثبت دارد (کرنیس و گولدمن، ۲۰۰۶؛ هپنر و همکاران، ۲۰۰۸). در پژوهش‌های کیفی، آزمودنی‌ها گفته‌اند که هنگامی احساس اصیل بودن کرده‌اند (یعنی احساس کرده‌اند که همان کسی هستند که واقعا هستند) که پیشرفت و خلاقیت داشته‌اند (شایستگی) و با نزدیکان در پیوند بوده‌اند (پیوستگی؛ لنتن و همکاران، ۲۰۱۳). اما این پژوهش‌ها روشن نکرده‌اند که هنگامی که این سه نیاز بنیادی برآورده نمی‌شوند مردم چگونه می‌توانند به احساس اصیل بودن برسند. پژوهش کنونی نشان داد هنگامی که انسان‌ها نمی‌توانند خود راستین‌شان را ابراز کنند و در نتیجه این سه نیاز بنیادی برآورده نمی‌شوند، پناه بردن به نوستالژی می‌تواند یک راه حل باشد.

بنابراین نتیجه‌گیری پژوهش کنونی این است که هیجان نوستالژی که پس از اندیشیدن به خاطرات نوستالژیک (که می‌توانند کمی غیرواقعی هم باشند) در فرد به وجود می‌آید، می‌تواند با افزایش ابراز خود راستین، خودتعریفی بیرونی را کاهش دهد.

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که نوستالژی پیامدهای مثبت فراوان (از افزایش عزت نفس، شادی، پیوند اجتماعی، و معنا در زندگی تا کاهش پیش‌داوری درباره چاق‌ها) دارد و پژوهش کنونی نشان داد که همه آن پیامدهای پراکنده از این واقعیت سرچشمه می‌گیرند که نوستالژی خود راستین انسان‌ها را به آنها نشان می‌دهد و از این رو پژوهش کنونی یک چهارچوب برای تبیین و یکپارچه کردن کارکردهای گوناگون نوستالژی ارائه داد. برای نمونه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوستالژی بسته به شخصیت آزمودنی‌ها پیامدهای گوناگون دارد؛ در خودشیفته‌ها نگاه مثبت به خود را افزایش می‌دهد (هارت و همکاران، ۲۰۱۱) و در کسانی که دل‌بستگی دوری‌گزین در آنها اندک است به پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند (وایدلشات و همکاران، ۲۰۱۰). اگر این دو یافته را جداگانه نگاه کنیم نتیجه خواهیم گرفت که نوستالژی دو کارکرد دارد: افزایش نگاه مثبت به خود و افزایش پیوند اجتماعی. اما اگر این دو یافته را در چهارچوب تبیینی پژوهش کنونی بگذاریم آنگاه نتیجه خواهیم گرفت که در هر دو، نوستالژی آزمودنی‌ها را به خود راستین‌شان نزدیک کرده است به این شکل که در خودشیفته‌ها خاطره‌هایی نوستالژیک هستند که درباره ویژگی‌های مثبت خود باشند و در کسانی که دل‌بستگی دوری‌گزین در آنها اندک است خاطره‌های نوستالژیک آنهایی هستند که درباره پیوندهای اجتماعی با دیگران باشند (بولدوین و همکاران، ۲۰۱۵).

همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوستالژی رفتارهایی چون کمک به خیریه‌ها (جو و همکاران، ۲۰۱۲) و کمک به کسی که مدد‌هایش به زمین ریخته است (استفن و همکاران، ۲۰۱۴) را افزایش می‌دهد. از دیدگاه پژوهش کنونی، این رفتارها بازتاب یکی از ویژگی‌های اصیل بودن (ابراز خود راستین) به نام «خودفراری»^۱ (گسترش مرزهای خود) هستند. ابراز خود راستین کم‌کم سبب می‌-

² Self-determination

¹ self-transcendence

احساس اصیل بودن را بگیرد یا خیر. در چنین پژوهشی یادآوری دشواری ابراز خود راستین متغیر مستقل و احساس اصیل بودن متغیر وابسته خواهد بود.

و سوم آن که در پژوهش کنونی نوستالژی به شکل خاطره‌های نوستالژیک و خاطره‌های غیرنوستالژیک دستکاری شد اما خاطره‌های نوستالژیک می‌توانند انواع گوناگون و در نتیجه اثرهای گوناگون داشته باشند. برای نمونه مدت زمانی که از خاطره نوستالژیک گذشته است، سن فرد در خاطره نوستالژیک، بافت خاطره نوستالژیک (خانه، مدرسه، محل کار)، و... همگی عامل‌هایی هستند که می‌توانند بر شدت اثرهای مثبت نوستالژی بر متغیرهای وابسته پژوهش کنونی اثر بگذارند.

یافته‌های پژوهش کنونی می‌توانند در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت باشند. احتمالاً در فرهنگ‌ها و جامعه‌هایی که به شهروندان خود فرصت کمتری برای ابراز وجود می‌دهند، پناه بردن به نوستالژی برای افزودن بر حس اصیل بودن و کاستن از خود-تعریفی بیرونی می‌تواند بیشتر باشد. البته پژوهش کنونی بر روی آزمودنی‌های ساکن در تهران و کرج انجام شد که در آنها فرهنگ غربی چیرگی دارد. لذا پژوهش‌های آینده باید فرضیه‌های پژوهش کنونی را در فرهنگ‌ها و جامعه‌های بسته‌تری همچون شهرستان‌های کوچک و روستاها آزمون کنند و یافته‌ها را با یافته‌های پژوهش کنونی مقایسه نمایند. این نکته را هم نباید فراموش کرد که حتی در فرهنگ‌های غربی نیز انسان‌ها در محیط‌های کاری مجبور می‌شوند خودی را برای دیگران به نمایش بگذارند که با خود راستین آنها فاصله زیادی دارد.

پژوهش کنونی محدودیت‌هایی داشت که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به آنها توجه کنند:

نخست آن که پژوهش کنونی اثر نوستالژی «حالتی» بر متغیرهای وابسته را بررسی کرد اما نوستالژی می‌تواند «صفتی» هم باشد؛ انسان‌ها می‌توانند به گونه سرشتی و عادت‌ی درباره گذشته‌ها احساس نوستالژیک داشته باشند. برای آن که یافته‌های پژوهش کنونی اعتبار بوم‌شناختی^۱ پیدا کنند، پژوهش‌های آینده باید رابطه طبیعی نوستالژی صفتی و متغیرهای وابسته پژوهش کنونی را بررسی کنند که البته چنین پژوهشی را با طرح آزمایشی نمی‌توان انجام داد و به ناچار باید طرح همبستگی به کار گرفته شود.

دوم آن که در پژوهش کنونی، نوستالژی متغیر مستقل بود اما در پژوهش‌های آینده نوستالژی می‌تواند متغیر وابسته باشد به این شکل که دشواری‌های ابراز خود راستین به آزمودنی‌ها یادآوری و مشاهده شود که آیا نوستالژی در آزمودنی‌ها افزایش پیدا می‌کند یا خیر. در پژوهش‌های آینده نوستالژی می‌تواند متغیر میانجی هم باشد به این شکل که پس از یادآوری دشواری‌های ابراز خود راستین به آزمودنی‌ها، نوستالژی به آنها القا و مشاهده شود که آیا این نوستالژی می‌تواند جلوی کاهش

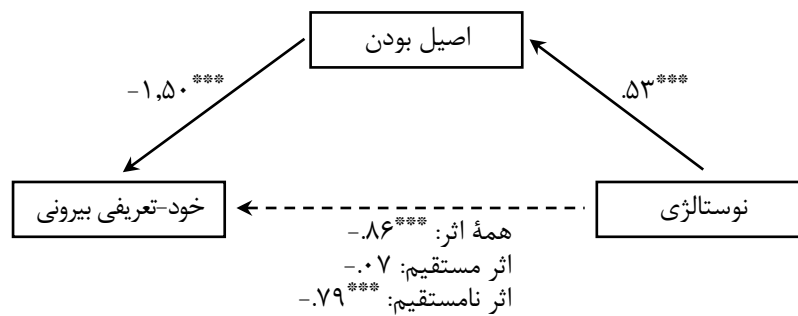
¹ ecological validity

منابع

- Baldwin, M., Biernat, M., & Landau, M. J. (2015). Remembering the real me: Nostalgia offers a window to the intrinsic self. *Journal of Personality and Social Psychology*, *108*(1), 128–147. <https://doi.org/10.1037/a0038033>
- Baldwin, M., & Landau, M. J. (2014). Exploring nostalgia's influence on psychological growth. *Self and Identity*, *13*, 162–177. doi:10.1080/15298868.2013.772320
- Batcho, K. I. (2013). Nostalgia: Retreat or support in difficult times? *The American Journal of Psychology*, *126*, 355–367. doi:10.5406/amerjpsyc.126.3.0355
- Batson, C. D., Duncan, B. D., Ackerman, P., Buckley, T., & Birch, K. (1981). Is empathic emotion a source of altruistic motivation? *Journal of Personality and Social Psychology*, *40*, 290–302. doi:10.1037/0022-3514.40.2.290
- Boym, S. (2001). *The future of nostalgia*. New York, NY: Basic Books.
- Buhrmester, M., Kwang, T., & Gosling, S. D. (2011). Amazon's Mechanical Turk: A new source of inexpensive, yet high-quality, data? *Perspectives on Psychological Science*, *6*, 3–5. doi:10.1177/1745691610393980
- Cheung, W. Y., Wildschut, T., Sedikides, C., Hepper, E. G., Arndt, J., & Vingerhoets, A. J. (2013). Back to the future: Nostalgia increases optimism. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *39*, 1484–1496. doi:10.1177/0146167213499187
- Fodor, N. (1950). Varieties of nostalgia. *Psychoanalytic Review*, *37*, 25–38.
- Guignon, C. B. (2004). *On being authentic*. Hove, England: Psychology Press.
- Hart, C. M., Sedikides, C., Wildschut, T., Arndt, J., Routledge, C., & Vingerhoets, A. J. (2011). Nostalgic recollections of high and low narcissists. *Journal of Research in Personality*, *45*, 238–242. doi:10.1016/j.jrp.2011.01.002
- Harter, S. (2002). Authenticity. In C. R. Snyder & S. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 382–394). Oxford, England: Oxford University Press.
- Hayes, A. F. (2013). *Introduction to mediation, moderation, and conditional process analysis*. New York, NY: Guilford Press.
- Hepper, E. G., Ritchie, T. D., Sedikides, C., & Wildschut, T. (2012). Odyssey's end: Lay conceptions of nostalgia reflect its original Homeric meaning. *Emotion*, *12*, 102–119. doi:10.1037/a0025167
- Heppner, W. L., Kernis, M. H., Nezlek, J. B., Foster, J., Lakey, C. E., & Goldman, B. M. (2008). Within-person relationships among daily self-esteem, need satisfaction, and authenticity. *Psychological Science*, *19*, 1140–1145. doi:10.1111/j.1467-9280.2008.02215.x
- Hofer, J. (1934). Medical dissertation on nostalgia. (C. K. Anspach, Trans.). *Bulletin of the History of Medicine*, *2*, 376–391. Original work published 1688.
- Holak, S. L., & Havlena, W. J. (1998). Feelings, fantasies, and memories: An examination of the emotional components of nostalgia. *Journal of Business Research*, *42*, 217–226. doi:10.1016/S0148-2963(97)00119-7
- Iyer, A., & Jetten, J. (2011). What's left behind: Identity continuity moderates the effect of nostalgia on well-being and life choices. *Journal of Personality and Social Psychology*, *101*, 94–108. doi:10.1037/a0022496
- Juhl, J., Routledge, C., Arndt, J., Sedikides, C., & Wildschut, T. (2010). Fighting the future with the past: Nostalgia buffers existential threat. *Journal of Research in Personality*, *44*, 309–314. doi:10.1016/j.jrp.2010.02.006
- Kernis, M. H. (2003). Toward a conceptualization of optimal self-esteem. *Psychological Inquiry*, *14*, 1–26. doi:10.1207/S15327965PLI1401_01
- Kernis, M. H., & Goldman, B. M. (2006). A multicomponent conceptualization of authenticity: Theory and research. *Advances in Experimental Social Psychology*, *38*, 283–357. doi:10.1016/S0065-2601(06)38006-9

- Koltko-Rivera, M. E. (2006). Rediscovering the later version of Maslow's hierarchy of needs: Self-transcendence and opportunities for theory, research, and unification. *Review of General Psychology, 10*, 302–317. doi:10.1037/1089-2680.10.4.302
- Lenton, A. P., Bruder, M., Slabu, L., & Sedikides, C. (2013). How does “being real” feel? The experience of state authenticity. *Journal of Personality, 81*, 276–289. doi:10.1111/j.1467-6494.2012.00805.x
- Loveland, K. E., Smeesters, D., & Mandel, N. (2010). Still preoccupied with 1995: The need to belong and preference for nostalgic products. *Journal of Consumer Research, 37*, 393–408. doi:10.1086/653043
- McCann, W. H. (1941). Nostalgia: A review of the literature. *Psychological Bulletin, 38*, 165–182. doi:10.1037/h0057354
- Merchant, A., Ford, J. B., & Rose, G. (2011). How personal nostalgia influences giving to charity. *Journal of Business Research, 64*, 610–616. doi:10.1016/j.jbusres.2010.06.013
- Nostalgia. (n.d.). In *Online etymology dictionary*. Retrieved from <http://dictionary.reference.com/browse/nostalgia>
- Routledge, C., Arndt, J., Sedikides, C., & Wildschut, T. (2008). A blast from the past: The terror management function of nostalgia. *Journal of Experimental Social Psychology, 44*, 132–140. doi:10.1016/j.jesp.2006.11.001
- Routledge, C., Arndt, J., Wildschut, T., Sedikides, C., Hart, C. M., Juhl, J., . . . Schlotz, W. (2011). The past makes the present meaningful: Nostalgia as an existential resource. *Journal of Personality and Social Psychology, 101*, 638–652. doi:10.1037/a0024292
- Routledge, C., Wildschut, T., Sedikides, C., Juhl, J., & Arndt, J. (2012). The power of the past: Nostalgia as a meaning-making resource. *Memory, 20*, 452–460. doi:10.1080/09658211.2012.677452
- Ruml, B. (1933). Theory of nostalgic and egoic sentiments. *Psychological Bulletin, 30*, 656–659.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist, 55*, 68–78. doi:10.1037/0003-066X.55.1.68
- Schimmel, J., Arndt, J., Banko, K. M., & Cook, A. (2004). Not all self-affirmations were created equal: The cognitive and social benefits of affirming the intrinsic (versus extrinsic) self. *Social Cognition, 22*, 75–99. doi:10.1521/soco.22.1.75.30984
- Schlegel, R. J., Hicks, J. A., Arndt, J., & King, L. A. (2009). Thine own self: True self-concept accessibility and meaning in life. *Journal of Personality and Social Psychology, 96*, 473–490. doi:10.1037/a0014060
- Sedikides, C., Wildschut, T., Gaertner, L., Routledge, C., & Arndt, J. (2008). Nostalgia as enabler of self-continuity. In F. Sani (Ed.), *Individual and collective self-continuity: Psychological perspectives* (pp. 227–239). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Sherman, D. K., & Cohen, G. L. (2006). The psychology of self-defense: Self-affirmation theory. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 38, pp. 183–242). San Diego, CA: Academic Press.
- Stephan, E., Sedikides, C., & Wildschut, T. (2012). Mental travel into the past: Differentiating recollections of nostalgic, ordinary, and positive events. *European Journal of Social Psychology, 42*, 290–298. doi:10.1002/ejsp.1865
- Stephan, E., Wildschut, T., Sedikides, C., Zhou, X., He, W., Routledge, C., . . . Vingerhoets, A. J. (2014). The mnemonic mover: Nostalgia regulates avoidance and approach motivation. *Emotion, 14*, 545–561. doi:10.1037/a0035673
- Stern, B. B. (1992). Historical and personal nostalgia in advertising text: The fin de siecle effect. *Journal of Advertising, 21*, 11–22. doi:10.1080/00913367.1992.10673382
- Talepasand S, Nasiripoor S. Psychometric characteristics of Memory Scale: Measure of everybody functions of memory in students. *Journal of Cognitive Psychology*

- 2018; 6 (1) :61-70. [Persian]
- Turner, R. N., Wildschut, T., & Sedikides, C. (2012). Dropping the weight stigma: Nostalgia improves attitudes toward persons who are overweight. *Journal of Experimental Social Psychology, 48*, 130–137. doi:10.1016/j.jesp.2011.09.007
- Turner, R. N., Wildschut, T., Sedikides, C., & Gheorghiu, M. (2013). Combating the mental health stigma with nostalgia. *European Journal of Social Psychology, 43*, 413–422. doi:10.1002/ejsp.1952
- Twenge, J. M., Campbell, W. K., & Freeman, E. C. (2012). Generational differences in young adults' life goals, concern for others, and civic orientation, 1966–2009. *Journal of Personality and Social Psychology, 102*, 1045–1062. doi:10.1037/a0027408
- van Tilburg, W. A. P., Igou, E. R., & Sedikides, C. (2013). In search of meaningfulness: Nostalgia as an antidote to boredom. *Emotion, 13*, 450–461. doi:10.1037/a0030442
- Vess, M., Arndt, J., Routledge, C., Sedikides, C., & Wildschut, T. (2012). Nostalgia as a resource for the self. *Self and Identity, 11*, 273–284. doi:10.1080/15298868.2010.521452
- Wildschut, T., Sedikides, C., Arndt, J., & Routledge, C. (2006). Nostalgia: Content, triggers, functions. *Journal of Personality and Social Psychology, 91*, 975–993. doi:10.1037/0022-3514.91.5.975
- Wildschut, T., Sedikides, C., Routledge, C., Arndt, J., & Cordaro, F. (2010). Nostalgia as a repository of social connectedness: The role of attachment-related avoidance. *Journal of Personality and Social Psychology, 98*, 573–586. doi:10.1037/a0017597
- Williams, T., Schimel, J., Hayes, J., & Martens, A. (2010). The moderating role of extrinsic contingency focus on reactions to threat. *European Journal of Social Psychology, 40*, 300–320. doi:10.1002/ejsp.624
- Wilson, J. L. (2005). *Nostalgia: Sanctuary of meaning*. Lewisburg, PA: Bucknell University Press.
- Winnicott, D. W. (2018). Ego distortion in terms of true and false self. In *The Person Who Is Me* (pp. 7-22). Routledge.
- Wood, A. M., Linley, P. A., Maltby, J., Baliousis, M., & Joseph, S. (2008). The authentic personality: A theoretical and empirical conceptualization and the development of the Authenticity Scale. *Journal of Counseling Psychology, 55*, 385–399. doi:10.1037/0022-0167.55.3.385
- Zhou, L., Wang, T., Zhang, Q., & Mou, Y. (2013). Consumer insecurity and preference for nostalgic products: Evidence from China. *Journal of Business Research, 66*, 2406–2411. doi:10.1016/j.jbusres.2013.05.027
- Zhou, X., Sedikides, C., Wildschut, T., & Gao, D. G. (2008). Counteracting loneliness: On the restorative function of nostalgia. *Psychological Science, 19*, 1023–1029. doi:10.1111/j.1467-9280.2008.02194.x
- Zhou, X., Wildschut, T., Sedikides, C., Shi, K., & Feng, C. (2012). Nostalgia: The gift that keeps on giving. *Journal of Consumer Research, 39*, 39–50. doi:10.1086/662199



شکل ۱. اثر نوستالژی بر خود-تعریفی بیرونی از راه اصیل بودن. عددها ضریب-های استاندارد نشده رگرسیون (B) هستند و خط چین رابطه نامعنی دار را نشان می‌دهد. سه ستاره: $p < .۰۰۱$

پیوست یک: پرسش‌نامه اصیل بودن (کرنیس و گولدمن، ۲۰۰۶)		
ما می‌خواهیم بدانیم در خاطره‌ای که یادآوری کردید چگونه انسانی بودید. پس لطفاً بگویید تا چه اندازه با جمله‌های زیر موافق هستید: کاملاً مخالف، مخالف، نه مخالف نه موافق، موافق، و کاملاً موافق. تکرار می‌شود: لطفاً درباره کسی که در خاطره یادآوری شده بودید پاسخ دهید (نه درباره کسی که هم‌اکنون هستید).		
نمره‌گذاری وارونه	زیرمقیاس	
	آگاهی	۱. بیشتر وقت‌ها دقیقاً نمی‌دانستم چه احساسی دارم.
	رفتاری	۲. خیلی وقت‌ها وانمود می‌کردم که از چیزی لذت می‌برم اما در واقع لذت نمی‌بردم.
	آگاهی	۳. خوب یا بد به درستی می‌دانستم که واقعا چه کسی هستم.
	آگاهی	۴. می‌توانستم بفهمم که چرا به کارهایم باور دارم.
	ارتباطی	۵. دوست داشتم نزدیکانم قوت‌هایم را بدانند.
	آگاهی	۶. تلاش می‌کردم بفهمم که کدام‌یک از ویژگی‌های من با هم جور هستند و خود راستین مرا شکل می‌دهند.
	پردازش بدون سوگیری	۷. وقتی به عیب‌هایم فکر می‌کردم بسیار ناراحت می‌شدم.
	رفتاری	۸. بیشتر وقت‌ها حتی اگر با چیزی مخالف بودم با سکوت یا سر تکان دادن موافقت می‌کردم.
	آگاهی	۹. برای کارهایم دلیل‌های بسیار خوبی داشتم.
	رفتاری	۱۰. اگر پاداش خوبی به من می‌دادند حاضر بودم رفتار و باورهایم را تغییر دهم.
	رفتاری	۱۱. برایم آسان بود که نقش بازی کنم و شخصیت واقعی‌ام را پنهان نمایم.
	ارتباطی	۱۲. دوست داشتم نزدیکانم ضعف‌های مرا بدانند.
	پردازش بدون سوگیری	۱۳. انتقاد از خود برایم کار سختی بود.
	آگاهی	۱۴. از عمیق‌ترین اندیشه‌ها و احساس‌هایم آگاه نبودم.
	ارتباطی	۱۵. تلاش می‌کردم به نزدیکانم بفهمانم که واقعا به آنها اهمیت می‌دهم.
	پردازش بدون سوگیری	۱۶. معمولاً برایم سخت بود که عیب‌ها و تقصیرهایم را بپذیرم و تلاش می‌کردم خودم را مثبت ببینم.
	ارتباطی	۱۷. تلاش می‌کردم نزدیکانم را خیلی بهتر از آنچه که واقعا بودند، نه همان‌گونه که واقعا بودند، ببینم.
	ارتباطی	۱۸. نزدیکانم می‌توانستند به‌طور دقیق بگویند که من چه جور آدمی هستم.
	پردازش بدون سوگیری	۱۹. ترجیح می‌دادم به اندیشه‌ها و احساس‌هایم توجه نکنم.
	آگاهی	۲۰. می‌توانستم بفهمم که در چه زمان‌هایی مانند شخصیت واقعی خودم رفتار نمی‌کنم.
	آگاهی	۲۱. می‌توانستم بفهمم که کدام‌یک از ویژگی‌هایم با شخصیتم همساز هستند و کدام‌یک نیستند.

	ارتباطی	۲۲. اگر نزدیکانم می فهمیدند که درون من چه می گذرد بسیار تعجب می کردند.
	ارتباطی	۲۳. برایم مهم بود که نیازها و خواسته های نزدیکانم را بدانم.
	ارتباطی	۲۴. دوست داشتم نزدیکانم شخصیت واقعی مرا بشناسند نه شخصیت اجتماعی و نقاب دار مرا.
	رفتاری	۲۵. به گونه ای عمل می کردم که با ارزش های شخصی ام همساز باشد حتی اگر دیگران از من انتقاد یا مرا طرد می کردند.
	ارتباطی	۲۶. بیشتر وقتها اگر با یکی از نزدیکانم مخالف بودم این مخالفت را نادیده می گرفتم و برای حل این اختلاف تلاشی نمی کردم.
	رفتاری	۲۷. بیشتر وقتها کارهایی را که دوست نداشتم انجام می دادم فقط برای این که دیگران را از خود ناراحت نکرده باشم.
	رفتاری	۲۸. بیشتر وقتها رفتارم نشان دهنده باورها و ارزش هایم بود.
	آگاهی	۲۹. تلاش می کردم که خودم را به بهترین شکل ممکن بشناسم.
	پردازش بدون سوگیری	۳۰. بیشتر وقتها درباره خودم احساس خوبی داشتم و کمتر به عیبها و تقصیرهایم می پرداختم.
	رفتاری	۳۱. بیشتر وقتها مطابق با نیازها و خواسته هایم رفتار می کردم.
	رفتاری	۳۲. تقریبا هیچگاه تلاش نمی کردم شخصیت واقعی ام را از دیگران پنهان کنم.
	رفتاری	۳۳. وقت و انرژی زیادی برای رسیدن به هدفهایی که برای دیگران مهم بودند صرف می کردم حتی اگر آن هدفها برای خودم مهم نبودند.
	آگاهی	۳۴. بیشتر وقتها نمی دانستم که چه چیزهایی برایم مهم است.
	پردازش بدون سوگیری	۳۵. تلاش می کردم درباره خودم هیچگونه احساس ناخوشایندی نداشته باشم.
	آگاهی	۳۶. خیلی وقتها از خودم می پرسیدم که آیا واقعا می دانم چه چیزی از زندگی می خواهم یا نه.
	پردازش بدون سوگیری	۳۷. بیش از حد از خودم انتقاد می کردم.
	آگاهی	۳۸. به خوبی می دانستم که چه انگیزه ها و علاقه هایی دارم.
	پردازش بدون سوگیری	۳۹. بیشتر وقتها تعریف و تمجیدهای دیگران از خودم را درست نمی دانستم.
	ارتباطی	۴۰. نزدیکان من شناخت دقیقی از شخصیت واقعی من داشتند.
	پردازش بدون سوگیری	۴۱. برایم دشوار بود که درباره دستاوردهایم احساس خوبی داشته باشم و آنها را با آغوش باز بپذیرم.
	پردازش بدون سوگیری	۴۲. وقتی کسی از من انتقاد می کرد تلاش می کردم آن انتقاد را فراموش کنم.
	ارتباطی	۴۳. نزدیکانم می توانستند مطمئن باشند که من همیشه و همه جا شخصیت و رفتار یکسانی دارم.
	ارتباطی	۴۴. برایم مهم بود که با نزدیکانم صادق باشم و برای آنها نقش بازی نکنم.
	رفتاری	۴۵. دوست داشتم باورهایم را ابراز کنم حتی اگر پیامدهای منفی داشته باشند.

پیوست دو: مقیاس تمرکز بر وابستگی‌های بیرونی (ویلیامس و همکاران، ۲۰۱۰)	
تا چه اندازه با جمله‌های زیر موافق هستید؟ کاملاً مخالف، مخالف، نه مخالف نه موافق، موافق، کاملاً موافق.	
نمره‌گذاری وارونه	
	۱. اگر می‌توانستم عملکرد بهتری در زندگی داشته باشم، مردم بیشتر به من احترام می‌گذاشتند.
	۲. خیلی وقت‌ها نگران می‌شوم که دیگران چگونه مرا ارزشیابی می‌کنند.
	۳. حتی اگر بدانم که برنده نمی‌شوم، در یک مسابقه شرکت خواهم کرد.
	۴. بسیار کوشش می‌کنم تا مردم مرا تایید و تصدیق کنند.
	۵. اگر بدانم که هرگز نخواهم توانست با ساز زدن مردم را تحت تاثیر قرار دهم، برای یادگیری ساز زدن خودم را به زحمت نخواهم انداخت.
	۶. در محیط‌های اجتماعی تقریباً هرگز نگران این نیستم که دیگران چگونه درباره من فکر می‌کنند.
	۷. در زندگی بسیار مهم است که مردم به ما به عنوان یک قهرمان نگاه کنند.
	۸. به این دلیل ورزش می‌کنم که ورزش مرا برای دیگران جذاب‌تر می‌کند.
	۹. هر قدر هم که کارم را خوب انجام دهم، مهم این است که ریسم کار مرا تحسین کند.
	۱۰. من چه موفق شوم چه شکست بخورم، مردم به من احترام خواهند گذاشت.
	۱۱. برایم مهم نیست که به رسمیت شناخته شوم.
	۱۲. من زمانی دوست دارم کاری را انجام دهم که این احتمال وجود داشته باشد که دیگران برای انجام دادن آن کار مرا تایید و تصدیق کنند.
	۱۳. هنگامی که می‌دانم دیگران دارند مرا ارزشیابی می‌کنند، تا زمانی که نتیجه ارزشیابی را ندانم به آرامش نمی‌رسم.
	۱۴. در دوره‌های بدون آن که نظر دیگران درباره خودم برایم مهم باشد با آنها ارتباط برقرار می‌کنم.
	۱۵. احساس می‌کنم که وقتی اشتباهی انجام می‌دهم مردم کمتر مرا دوست دارند.
	۱۶. هر وقت عقیده‌ام را به زبان می‌آورم احساس راحتی نمی‌کنم مگر آنکه یک نفر با من موافقت کند.
	۱۷. به‌ندرت به این فکر می‌کنم که مردم چگونه دارند مرا ارزشیابی می‌کنند.
	۱۸. من آبرویی نزد مردم دارم که باید آن را حفظ کنم.
	۱۹. وقتی به چیز مهمی دست پیدا می‌کنم بلافاصله به این فکر می‌کنم که مردم چه نظری درباره من خواهند داشت.
	۲۰. خیلی دوست دارم به جمع همکلاسی‌های قدیمی دبیرستانم بروم تا به آنها نشان دهم که چقدر از آن وقت تا به حال پیشرفت کرده‌ام.